



آموزش شعر کردی کرمانجی

دکتر صادق فرهادی

فارسی	کورمانجی				IPA
	تنها	پایانی	میانی	ابتدایی	
آا	ا	ا	ا	ئا	[a:]
ب	ب	ب	ب	ب	[b]
ج	ج	ج	ج	ج	[dʒ]
چ	چ	چ	چ	چ	[tʃ]
د	د	د	د	د	[d]
فتحه ـ	ه	ه	ه	ئه	[æ]
کسره کشیده	ئ	ئ	ئ	ئ	[ɜ:]
ف	ف	ف	ف	ف	[f]
گ	گ	گ	گ	گ	[g]
ح، ه، ه	ه	ه	ه	ه	[h]
کسره کوتاه ـ	ـ	ـ	ـ	ئ	[e]
ایی	ی	ی	ی	ئی	[i:]
ژ	ژ	ژ	ژ	ژ	[ʒ]
ک	ک	ک	ک	ک	[k]
ل	ل	ل	ل	ل	[l]
م	م	م	م	م	[m]
ن	ن	ن	ن	ن	[n]
ضمه کشیده	ۆ	ۆ	ۆ	ئۆ	[o]
پ	پ	پ	پ	پ	[p]
ق	ق	ق	ق	ق	[q]
ر	ر	ر	ر	ر	[r]
س	س	س	س	س	[s]
ش	ش	ش	ش	ش	[ʃ]
ت	ت	ت	ت	ت	[t]
ضمه کوتاه ـ	و	و	و	ئو	[ʊ]
او	وو	وو	وو	ئوو	[u:]
واو	ف	ف	ف	ف	[v]
واو دولبی	و	و	و	و	[w]
خ	خ	خ	خ	خ	[x]
غ	غ	غ	غ	غ	[ɣ]
ی	ی	ی	ی	ی	[j]
ز/ض/ذ/ظ	ز	ز	ز	ز	[z]
ئ / همزه	ئ	ئ	ئ	ئ	[ʔ]

فهرست

۱.....	مقدمه
۲.....	هجاء
۲.....	قواعد قافیه به روش علمی
۲.....	حرف
۲.....	مصوت و صامت
۳.....	ردیف و قافیه (موسیقی کناری)
۳.....	ردیف
۳.....	واژه‌های قافیه
۳.....	هجاء قافیه
۳.....	قافیه یا حروف قافیه
۳.....	حرف روی
۴.....	تمرین‌های حل شده ۱
۸.....	قواعد قافیه
۸.....	قاعده ۱
۹.....	قاعده ۲
۹.....	تبصره‌ها
۹.....	تبصره ۱
۱۰.....	تبصره ۲
۱۰.....	تبصره ۳
۱۱.....	تمرین‌های حل شده ۲
۱۵.....	عیوب قافیه
۱۵.....	اقوا
۱۵.....	اکفا
۱۶.....	شایگان
۱۷.....	اضافه کردن قید بین توجیه و روی
۱۷.....	خصوصیات سه‌خشتی‌های خراسانی
۱۹.....	چاروک
۱۹.....	تمرین‌های حل شده ۳

۲۴.....	محدودیت‌های قافیه در شعر کرمانجی
۲۴.....	۱- کمبود دایره واژگان
۲۴.....	۲- ماهیت نیمه‌ارگاتیو زبان کردی کرمانجی
۲۴.....	۳- وجود جنسیت در زبان کردی کرمانجی
۲۴.....	قافیه دوهجایی
۲۸.....	تمرین‌های حل شده ۴
۳۲.....	تمرین
۳۴.....	منابع

مقدمه

موسیقی شعر

قبل از آنکه به موسیقی در زبان شعر بپردازیم نیم‌نگاهی به نقش زبان در بازشناسی هویت و حیات یک ملت خواهیم داشت تا ارزش زبان شعر بیشتر بر ما روشن گردد.

انسان به کمک زبان در پهنه‌ی بیکران هستی و زمان حضور می‌یابد. زبان به آدمی در جهان، هستی و هویت می‌دهد و برای انسان جهان را عینیت می‌بخشد. بدین ترتیب زبان واسطه‌ای میان انسان و جهان است و سه مقوله مهم یعنی انسان و زبان و جهان با یکدیگر مفهوم هستی را عینیت می‌بخشند و به کمال می‌رسانند. بنابراین زبان مهم‌ترین عامل وحدت ملی است و می‌تواند یک ملت را در کوره‌راه‌های دشوار زندگی از گزند باد و باران‌های مرگ‌زا حراست کند و وسایل ترقی و پیشرفت او را فراهم کند.

شعر نوعی زبان چندبعدی است و شاعر به‌مانند نوازنده‌ای است که بر روی سازی سیمی می‌نوازد و هر بار بیش از یک صدا تولید می‌کند. زبان شعر زبانی است به‌سوی کل هستی، انسان و جهان جهت‌گیری می‌کند، نه فقط به‌سوی فهم شنونده و بعد عقلانی آدمی. شاعر بر روی کلمات مکث می‌کند. همچنان که نقاش بر روی رنگ‌ها و آهنگساز بر روی صوت‌ها. ادیبان اندیشمند ما هرکدام تعریفی برای شعر بیان کرده‌اند که یکی از بهترین آن‌ها تعریف دکتر شفیعی کدکنی است: «گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است.»

دکتر اسماعیل خوبی همین تعریف را با جایگزین کردن اندیشه به‌جای عاطفه و تخیل بیان داشته‌اند؛ اما آیا نمی‌توان هر سه را باهم آورد؟ چراکه در شعر هم عاطفه و تخیل دخیل هستند و هم اندیشه‌های آدمی در آن تجسم می‌یابند. موسیقی شعر محدود به قالب عروضی و بحر شعر نیست، بلکه نوع پیوستگی کلمات با یکدیگر و ایقاعهای شعر موسیقی شگفت‌انگیزی احساس می‌شود که کم از موسیقی وزن شعر نیست و اصولاً شعر چند نوع موسیقی دارد.

۱- قافیه و ردیف که آن را موسیقی کناری شعر می‌گویند.

۲- موسیقی درونی که عبارت است از هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین خاص هر حرف در مجاورت با حرف دیگر.

۳- موسیقی بیرونی که همان وزن عروضی است بر اساس کشش‌ها و تکیه‌ها که در کتاب‌های عروضی به آن زیاد پرداخته‌اند و در مجال بحث ما نمی‌گنجد.

قافیه: قافیه نیز گوشه‌ای از موسیقی است، مهم‌ترین اهمیت قافیه جنبه‌ی موسیقایی آن است. قافیه را جزئی از وزن به حساب می‌آورند و آن را مکمل وزن شعر دانسته‌اند.

معنی خود کلمه قافیه از قفا- یقفوا به معنی از پی آینده و آنکه به دنبال کسی می‌آید. امروزه مطالعه در بنیاد فیزیک قافیه به‌طور دقیق نشان می‌دهد که قافیه یکی از عناصر وزن است، همان‌طور که در ترکیب موسیقی نقش پیوند و علاقه را بازی می‌کند. در یک نغمه موسیقی که با دو آلت خاص نواخته می‌شوند قافیه نیز این نقش را در شعر بازی می‌کند. اما آیا تفاوت شعر با نثر در موسیقی است؟

پل والری شعر را به رقص و نثر را به راه رفتن تشبیه می‌کند، در شعر وزن، قافیه، ردیف صنایع لفظی و معنوی، هماوایی، عناصر موسیقایی شعر و ... در شیوه‌ی یا ترکیب نقش دارند و همچنین با دیگر عناصر شعر کلیت واحد و منسجمی را به وجود می‌آورند.

لذت ناشی از همه‌ی اجزا و عناصر است؛ اما در نثر این عناصر کمتر و شیوه برخورد و رویارویی با آن‌ها نیز متفاوت می‌باشد. حوزه‌ی نثر به قلمرو نظم نزدیک‌تر است تا شعر و در نتیجه به برونه‌ی زبان بیشتر نزدیک است تا به درونه‌ی زبان.

ژان پل سارتر در، «ادبیات چیست» می‌گوید: که شعر برخلاف نثر متوجه غایتی بیرون از خویش نیست، غایت شعر حرکت است نه نیل به مقصد و زبان برای آن، هدف است نه وسیله. اساساً شعر ناب هم همین است.^۱

هجا

دکتر خان‌لری در کتاب «وزن شعر فارسی» می‌گوید: «گفتار عبارت است از یک سلسله ارتعاشات صوتی متوالی که پیاپی به گوش شنونده می‌رسد؛ اما شنونده در این، قطعاتی را تشخیص می‌دهد که به منزله حلقه‌های متصل زنجیر است. این حلقه‌ها را هجا یا مقطع syllable می‌خوانیم.» دکتر تقی وحیدیان کامیار در عروض دوره دبیرستان - چاپ ۱۳۶۹ می‌گوید: «هجا (بخش) یک واحد گفتار است که با هر ضربه هوای ریه به بیرون رانده می‌شود.»

هر هجایی از دو حرف یا بیشتر تشکیل می‌شود که حرف دوم یا مرکز آن قطعاً مصوت است؛ یعنی هر هجا یک مصوت دارد و در هر واژه به تعداد مصوت‌ها هجا داریم. واژه دل که یک مصوت دارد، یک هجا است و دلبر که دو مصوت دارد، دو هجا است و دلبره‌ی که سه مصوت دارد سه هجا است.

قواعد قافیه به روش علمی

پیش از پرداختن به قواعد قافیه لازم است اشاره‌ای به حروف مصوت و صامت بکنیم.

حرف

شاعر با واژه به سرودن شعر و آفرینش زیبایی می‌پردازد. واژه خود از واحدهای کوچک‌تری به نام حرف درست می‌شود، بنابراین برای شناخت شعر ناچار از حرف باید شروع کرد.

مصوت و صامت

حروف کرمانجی دو نوع‌اند: حروف مصوت (واکه)، حروف صامت (همخوان).

حروف مصوت: زبان کردی کرمانجی دارای هشت مصوت است که سه تای آن‌ها مصوت‌های کوتاه‌اند که عبارت‌اند از ه (فتحه)، ئ (کسره کوتاه) و (ضمه). پنج مصوت دیگر مصوت‌های بلندند که عبارت‌اند از ا، ی، و، و و.

^۱ خلاصه‌ای از مقاله «موسیقی در زبان شعر»
^۲ قرارداد:

با توجه به نبود کسره کوتاه در الفبای آرامی در این جزوه در موارد خاص که کسره کوتاه به‌تنهایی یا اول حروف آمده باشد یا در کلمه‌ای به‌منظور آموزش نیاز باشد از نماد همزه (ئ) برای این مصوت استفاده خواهد شد.

مثال

ئ = -

ئد = -

ضمناً می‌دانیم که در کرمانجی هیچ واژه‌ای با مصوت آغاز نمی‌شود، پس اگر در آغاز کلمات حروف مصوت می‌بینیم باید بدانیم که آن کلمات با همزه آغاز می‌شوند، مثل کلمه‌ی «ئەز»
نکته: در الفبای لاتین همزه وجود ندارد.

ردیف و قافیه (موسیقی کناری)

ابتدا یک توضیح اجمالی راجع به سه‌خشتی:

سه‌خشتی از سه مصرع تشکیل شده است که رعایت قافیه و ردیف و مساوات هجا در آن الزامی است

هجا؛ به زبان ساده یعنی حروف مصوت که در کرمانجی ا، ه، ئ، ی، ئ، ی، ۆ، و، وو است.

در شعر داشتن قافیه الزامی است و داشتن ردیف هم توصیه می‌شود. قافیه و ردیف وزن و آهنگ شعر را ایجاد می‌کنند پس انتخاب قافیه و ردیف مناسب شعر را خوش‌آهنگ‌تر خواهد کرد.

ددان هوورا هوور ده‌که‌ئێ	با ردیف دندانهای ریزش، ریز ریز می‌خندد
ژە سەر چپای دوور ده‌که‌ئێ	می‌خندد بر روی کوه دور دست
لێنقا هیقێ، نوور ده‌که‌ئێ!	این لب ماه است که نور می‌خندد!

سه‌خشتی فوق قافیه‌دار است. واژه ده‌که‌ئێ در آخر سه مصرع ردیف نام دارد و واژه‌های هوور، دوور، نوور واژه‌های قافیه و ووور حروف قافیه است.

ردیف

بعضی اشعار ردیف دارند. ردیف کلمه یا کلماتی است که بعد از واژه‌های قافیه عیناً (از نظر لفظ و معنی) تکرار می‌شود.

واژه‌های قافیه

واژه‌هایی است که حرف یا حروف قافیه در آخر آن‌ها مشترک باشد.

هجای قافیه

هجایی است که حروف قافیه در آن قرار دارند.

قافیه یا حروف قافیه

حرف یا حروف مشترک که برای قافیه سازی لازم است. این حرف یا حروف چنان‌که گفتیم در آخر واژه‌های قافیه می‌آید.

حرف روی

آخرین حرف اصلی قافیه

نکته: رعایت حرکت قبل از حرف روی و تمام حروف و حرکات پس از حرف روی الزامی هستند.

در این شعر:

روونشتی له همبهر ئوجیغ
نشسته در برابر اجاق
نانی خوه دایی بهر ئوجیغ
نانش را رو به آتش گذاشته
دل ده که لی له سهر ئوجیغ
و دلش روی اجاق می جوشد!

واژه ئوجیغ (خمیده ئوجاغ است) ردیف است و همبهر، بهر، سهر واژه‌های قافیه و هر حروف قافیه.

در شعر زیر ردیف وجود ندارد. را، فرا، برا واژه‌های قافیه هستند و ا حرف قافیه.

چ ژانه سا دلی م را
چه دردی است برای دلم
ک بی ته هال ده که م فرا
که اینجا را بدون تو تحمل کنم
ئه ممانکام بویم برا!
اما نمی‌توانم حرفی بزنم، برادرم!
مثال: فرض کنیم در یک شعر سه واژه دوتار و سمار و ئه‌لامزار قافیه باشند، در این صورت دوتار، سمار، ئه‌لامزار واژه قافیه هستند. تار، مار، زار هجای قافیه و ا حروف قافیه و ر حرف روی است.

تمرین‌های حل شده ۱

دلی منی پرر وه دهرده
دلم خیلی پردرد است
دوتاره که روو وه په‌رده
همچون دوتاری که رویش پرده‌ای باشد
وهره روونئی گو وه سهر ده
بنشین و گوش فرا بده

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
ده‌رده	هرد	ه
په‌رده		
سهر ده		

مالان دانی بینه بینه
افراد ایل چادرها را به‌ردیف برافراشتند
شیلوار گهوران دا وهر سینه
دخترانی که دامن سفید پرچین بر تن کرده‌اند از دامنه تپه بالا می‌روند
دلی جایلان کرنه خوینه
طنازی‌شان دل جوانان را خون کرده است

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
بینه	ین	ه
سینه		

^۳ در اصل کئورئنه هست که یک مصوت کوتاه به خاطر مساوات هجا حذف شده است.

		خوینه
--	--	-------

په‌ری جانِه، په‌ری جانِه
گولییِ فِه‌گرتی به‌ردانه
دل وه ژان و وه ئه‌رمانه

په‌ری جان است، په‌ری جان است
موهای بافته‌شده را رها کرده
دل غمگین و حسرت بر دل است

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
په‌ری جانِه	ان	ه
به‌ردانه		
ئه‌رمانه		

ده‌ردی منی له سهر ده‌ردان
گری که تیه ده‌ست نام‌ردان
نه تیم کوشتن، نه تیم به‌ردان

انبوه دردها در دلم جای گرفته‌اند
گره کارم به دست نامردان افتاده است
نه کشته می‌شوم و نه آزاد می‌گردم

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
ده‌ردان	هرد	ان
نام‌ردان		
به‌ردان		

ژه جانی خوه بوومه تیرا
نالی چیکی سهری ئیرا
دل وه داغم، داغم ژیرا

به خاطر انبوه نامردی‌ها، از جانم سیرشده‌ام
مانند اخگر بر آتش دلم داغدار اوست
و برایش در سوزوگدازم

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
تیرا	یر	ا
ئیرا		
ژیرا		

^۴ در اصل که تیه است که مصوت ی برای برابری هجا حذف شده است.

^۵ در خشت اول و دوم الحاقی مصوت است و به ضرورت خشت سوم آمده است. این حرف (مصوت) نقش پر کردن وزن و قافیه را دارد و لذا به آن الف اشباع هم می‌گویند.

^۶ ژ و ی را

هلمگه راندم داگه راندم
و دوو کارئ خوه دا شاندم
ل ئاخريئ ئه ز خاپاندم

مرا در فراز و فرودها سرگردان کرد
از من کار کشید
و در آخر مرا فریب داد (با دیگری وصلت کرد) ^۷

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
داگه راندم	اند	ئم
شاندم		
خاپاندم		

ئه‌رمان پرن، ئه‌رمان پرن
دارئ وه به‌ژن سا چ قرن
به‌ژنا له وان کودا پرن

آرزوها فراوان‌اند
درختان تن به آسمان کشانده را چرا فروشکستند؟
آن بلندی قامتشان را کجا برده‌اند؟

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
پرن	ئر	ئن
قرن		
برن		

بارئلاها تۆوه ته‌خسیر
هیشن ده‌که چۆل و جزیر
وه دوو یارئ بوومه هیسیر

بارالاه‌ها، از تقصیراتم توبه می‌کنم
درحالی‌که دشت و بیابان سرسبزند
من به دنبال یارم اسیر شده‌ام

واژه‌های قافیه	قافیه
ته‌خسیر	یر
جزیر	
هیسیر	

من به‌رئ خوه روو له چئ کر
من ده‌نگئ خوه ته‌ل وه بئ کر
من دادئ خوه وه خوه‌دئ کر

من رو به کوه بالادست نمودم
صدایم را با نسیم همراه کردم
تا داد و شکوه‌ام را به خدا برسانم

^۷ در اصل **ئاخريئ** هست که به خاطر هشت‌هجایی شدن یک هجای آن حذف شده است.

^۸ در اصل «چی» است که برای جور شدن قافیه و هماهنگی با دیگر حروف بصورت «چیئ» آمده است.

^۹ ته‌ف له

واژه‌های قافیه	قافیه	ردیف
چئی	ئی	کر
بئی		
خوه‌دی		

دلئی منی تیر و تژی
 ناتئی نه‌وران ده‌گورمژی
 هیستر تننه نه‌و برژی

دل بر دردم لبریز بغض است
 مثل ابرها در غرش است
 اشکی نمانده است که او را فرو بیاراند

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
تژی	ژی	ئی
ده‌گورمژی		
برژی		

مه‌رگان مه‌کوژ، مه‌کوژ هه‌رای
 کیفیان مه‌که له‌خه‌لکی پای
 ته‌دی وه‌دوو را تو نه‌مای

شکارچی، نکش، نکش
 آهوان و گوششان را بین مردم قسمت مکن
 شاید پس از شکار آهو تو نیز نماندی

واژه‌های قافیه	قافیه
هه‌رای	ای
پای	
نه‌مای	

ل‌سه‌ر ئافی، ل‌سه‌ر ئافی
 سیسه‌بوزا ئاف‌زرافی
 جانی من کریئی گرافی

بر روی چشمه، بر روی چشمه
 یار سپید روی باریک اندام پیدا است
 جانم در گرو عشق اوست

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
ئافی	افی	ئی
ئاف‌زرافی		
گرافی		

^۱ در اصل «تژی» است که برای جور شدن قافیه و هماهنگی با دیگر حروف بصورت «تژی» آمده است.

چاشنی له ته چاشنی زاغان
 وهرکه فنی له سوراغان
 له دلنی مه دامه یین داغان

چشم هایت به چشم های زاغ می ماند
 به سراغش به هر سو روانه می شویم
 (با بی مهری هایت) بر دلمان داغ منه

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
زاغان	اغ	ان
سوراغان		
داغان		

دلگرتی مه، دلگرتی مه
 ژه هه فالان داگرتی مه
 مینا کوینه ک فه گرتی مه

دل گرفته و دلگیرم
 مرا از همراهی با دوستان بازداشته اند
 به چادر افراشته شده می مانم

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه	ردیف
دلگرتی	ئرت	ی	مه
داگرتی			
فه گرتی			

ئەز چوو چکێ پەربری مه
 ژه وه لاتنی خوه فریمه
 غه ریوی ئه ز کریمه

من آن گنجشک پر بریده‌ای هستم
 که از دیارم دور پریده و در اینجا فرود آمده‌ام
 گویی غربت خریدارم شده است

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
پەربری مه	ئرر	یمه
فریمه		
کریمه		

قواعد قافیه

حداقل حروف مشترک لازم برای قافیه تابع دو قاعده است:

قاعده ۱

تمام مصوت‌های بلند (ا، ئ، ی، و، و) به‌تنهایی و مصوت‌های کوتاه (ه، ئ، و) هم به‌شرط داشتن الحاقیات یا ردیف می‌توانند اساس قافیه قرار بگیرند.

مثلاً در شعر زیر واژه‌های پین، لپ، کپ هم قافیه هستند و حرف مشترک قافیه تنها مصوت پ است.

وه لاتی مه، مه رخی وه پی
 هیستر ژیرا مه کرنه لی
 هه رایا خوه بگینی کی؟

سرزمین ما، سرو کوهی ایستاده است
 که ما اشک هایمان را به پایش جاری کردیم
 فریادمان را به گوش که برسانیم؟

قاعده ۲

هر مصوت با یک یا دو صامت بعدش قافیه قرار می گیرد: مصوت + صامت + (صامت).

نانی فه تیر! نانی فه تیر!

وه هیستران کرنی هه فیر

له ناف چیکان بوونی ژه بیر!

در این شعر بیر (مصوت + صامت) حروف قافیه است و در شعر زیر:

۱ و باغ پورکی خوا نقشانند

۱ ل وهر قانغان کل کشاند

بره ک جاهیل وی هه ششانند

حروف اند (مصوت + صامت + صامت) حروف قافیه هستند.

تبصره‌ها

تبصره ۱

به آخر واژه‌های قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاق شود حرف یا حروف الحاقی نیز جزو حروف مشترک قافیه‌اند و رعایت آن‌ها لازم است:

مثلاً در شعر زیر به آخر چنگ، لنگ، پلنگ، ان الحاق شده است:

مه رخا پیری ل سهر چنگان سرو کوهی پیر بر فراز قله‌ها

هین ژی بمین ل سهر لنگان همچنان روی پاهایت بایست

باب ته شا بن پلنگان بگذار پلنگ‌ها به دیدنت شادمان شوند

حروف ئنگ + ان حروف قافیه است: ئنگ حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و ان حروف الحاقی.

در شعر زیر

وه دوو ته راهاتم چوومه به دنبالت آمدم و رفتم

ژه پی که تم ژه جین بوومه از پا افتادم و جانم است دست رفت

مه گهر ژه ته دهست ده شوومه؟! اما مگر دامت را رها خواهم کرد؟

حروف وو + مه حروف قافیه است: وو حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و مه حروف الحاقی.

^{۱۱} باغ پورک: بند رنگین تزئین شده که سر زلف‌ها را با آن می‌بندند

^{۱۲} قانغ: پلک

حروف الحاقی عبارت است از شناسه‌ها ضمائر متصل، پسوندها، مخفف صیغه‌های زمان حال بودن (ئم، ی، ه، ئن) و ی آخر بعضی از واژه‌های مختوم به ا و و مثلاً در واژه‌های دای و مای و چووی و دووی.

تذکر: برای مشخص کردن قافیه هر شعر ابتدا ردیف را مشخص می‌کنیم و بعد حروف الحاقی و سپس حروف اصلی را

تبصره ۲

بعضی از واژه‌ها به ئ (بیان حرکت) یا مصوت ی ختم می‌شوند:

مانند سی، قازی، که‌لئ، ته‌لئ این ی و ئ گرچه جزو کلمات قافیه یعنی حروف اصلی هستند اما از نظر قافیه الحاقی به شمار می‌آید:

تو له کویی؟ له ناف ته‌لئ	تو کجایی؟ گرفتار در دام
ئه‌ز له کومه؟ له ناف به‌لئ	من کجایم؟ گرفتار در بلا
چ ئار بوو که‌تته ناف که‌لئ!	این چه آتشی بود به جان روستا افتاد؟
حروف ه‌لئ حروف قافیه است: هل اصلی (طبق قاعده ۲) و ئ در حکم الحاقی:	

ژه فی ئالی تا وی ئالی	از آن سری تا این سری
بان ده که‌مه ناوی هالی	صدایش می‌زنم و نمی‌شنود
ئه‌مان که‌چکا سه‌ندیفالی	آه از دست دختر سنگ‌دیواری!

حروف الی حروف قافیه است: ال اصلی (طبق قاعده ۲) و ی (در حکم الحاقی) فقط در دو مصرع اول یعنی کلمات ئالی و هالی.

تبصره ۳

رعایت قواعد دوگانه قافیه الزامی است. فقط یک استثنا دارد:

اگر در قاعده ۲ یعنی مصوت+صامت (+صامت) مصوت کوتاه باشد و قافیه حروف الحاقی داشته باشد این مصوت کوتاه می‌تواند متفاوت باشد.

مثلاً: وهست با خست قافیه نمی‌شود.

زیرا مصوت اولی فتحه و مصوت دومی کسره است. ولی اگر به آن‌ها مثلاً ی الحاق شود باهم هم‌قافیه می‌شوند. وهستی با خستی هم‌قافیه‌اند.

در این سه‌خستی

ل هم‌مبه‌ر وان چیا سستن

بلند مه‌رخان به‌ژن په‌ستن

ژنئین کورمانج کو هولده‌ستن

حروف ئست و هست حروف اصلی قافیه‌اند و ئن حروف الحاقی.

تمرین‌های حل‌شده ۲

فا چای مه قه‌رمیغه
نارئ مالئ مه وه تیغه
داگهر وه‌ره، م کر دیغه

این کوه ما پر زرشک کوهی است
دیوار (تپه) کوتاهی ما را از هم جدا کرده
بیا برایت دق کرده‌ام

واژه‌های قافیه	قافیه	ردیف
قه‌رمیغه	یغ	ه
تیغه		
دیغه		

ته گۆ ئه لیف، من گۆ نوونه
جه‌ورئ خوه‌دئ له مه بوونه
کۆچئ یارئ ژه فر چوونه

تا تو حرف «الف» را ادا کردی من حرف «ن» را گفتم (در ابتدای راه بودی من به پایان
آن رسیده بودم)
انگار خداوند بر ما جور و ستم کرده است
کاروان یار نیز کوچیده و رفته است

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
نوونه	وون	ه
بوونه		
چوونه		

باغئ گویزان، باغئ گویزان
تی‌یه دهنگئ دو نازیزان
خه‌لکۆ مه‌دن بی‌دل قیزان

باغ گردوها، باغ گردوها
صدای دو عزیز شنیده می‌شود
مردم! دختران را به اجبار به شوهر ندهید

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
گویزان	یز	ان
نازیزان		
قیزان		

برره‌ک نیری کرر و ئاسکه
شاخ ل سیری بوونه باسکه
قیلند بده، من خه‌لاس که

تعدادی بز نر زردرنگ و مو بلند
شاخ‌ها بر گرد سرشان چون بازو شده‌اند
(آنها را بفروش) جهیزیه‌ام را بده و مرا رها کن (عروس کن)

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
----------------	-------	----------------

ه	اسک	ناسکه
		باسکه
		خه لاس که

سپیده صبح سرزد و وقت شیردوشی گاوهاست
کبک‌ها در دامنه‌ها نغمه‌خوانی می‌کنند
سایه بالای سرمان، سایه برادرهایمان است

سوئی روین دا، وهختی مانگان
که و دخوینن ل زمانگان
سویی سهر مه یی برانگان

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
مانگان	انگ	ان
زمانگان		
برانگان		

لایین کهنه پر از کوه است
مه اطرافش را فرا گرفته است
به بلبل نا آرام می‌مانم

لایین کۆنه کوللی ره‌فه
دوو مین گرتیه چارته‌ره‌فه
بوومه بلبل، ناوم خه‌فه

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
ره‌فه	ه‌ف	ه
چارته‌ره‌فه		
خه‌فه		

شب رفته است و گاه خروس خوانی‌هاست
من چشم‌ها را به دو ستاره کنار هم در آسمان دوخته‌ام
از اینکه در زمین بی‌یار و تنهایم (لحاف مانند خاری آزارم می‌دهد)

شه‌فی چوویمه مه‌لی دیکان
من چاف به‌ردا قووشه چیکان
تورغان له سهر من بوو تیکان

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
دیکان	یک	ان
چیکان		
تیکان		

من تا الف را بر لب آوردم تو میم را گفتی
دهان زیبای دختران، به چشمه‌ی میان چمنزار می‌ماند
تشنه‌ام، از آن چشمه آبم بدهید

من گوئه‌لیف، ته گو میمه
فه‌کی که چکان کانیا چیمه
ثافه‌ک بده، ئەزی تیمه

واژه‌های قافیه	قافیه	ردیف
میمه	یم	ه
چیمه		
تیمه		

کراس گه‌ورئ شیلوارگه‌ورئ
له هالی من ته کر جه‌ورئ
نه ته دله، نه من سه‌ورئ

ای یار که پیراهن و دامن پرچین سپید بر تن داری
تو در حقم جفا کردی
حال نه تو دل داری و نه من صبر و طاقتی دارم

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
شیلوارگه‌ورئ	ه‌ور	ئ
جه‌ورئ		
سه‌ورئ		

دلئ منی ناله ناله
دایئ هه‌نین خوه ده‌سماله
جاری نه‌گوت وهره ماله

دلم در نالش است
یارم دستمالی بر سر بسته
حتی یک‌بار هم مرا به خانه تعارف نکرد

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
ناله	ال	ه
ده‌سماله		
ماله		

شه‌فانه روئه‌زل چۆلئ
بوومه ریگئ بنی گۆلئ
ئه‌ز ناشقئ شیلوارقۆلئ

من شبانه‌روز در بیابان سرگردانم
مانند ریگ فراموش شده در داخل برکه‌ام
باین حال من عاشق آن یار دامن پرچین کوتاه هستم

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
چۆلئ	ۆل	ئ
گۆلئ		
شیلوارقۆلئ		

باران باری، هرد بوو لووشه
 چادرگه وری وه قه لووشه
 مه بای دایه نه قل و هووشه

باران بارید و زمین پرتراوت و پر گل شده است
 در این میان یار چادر سفیدم با کفش های گالش خود بیرون آمده
 و عقل و هوشی برایم باقی نگذاشته است

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
لووشه	ووش	ه
قه لووشه		
هووشه		

به‌ری مالان وه کولووته
 کراسی ته وه گولبووته
 ژه بهاری که تمه دوو ته

مقابل خانه‌ها پر از تپه ماهور است
 گل‌ها پیراهنت را آراسته‌اند
 و من از بهار دلداده‌ات شده‌ام و به دنبالت روانم

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
کولووته	ووت	ه
گولبووته		
دوو ته		

ژ خوه‌دی دا و نه زهر وی
 کانیک ل ناف مالان دهر وی
 ههر کو ههرم، یار ل سهر وی

کاش از سوی خداوند لطفی بشود
 در میان سیاه‌چادرها چشمه‌ای بجوشد
 هرگاه می‌روم، یارم لب چشمه باشد

واژه‌های قافیه	قافیه	ردیف
نه زهر	هر	وی
دهر		
سهر		

فا چ به ژن و فا چ باله
 کریه سهری مه خیاله
 تو غه تی مه بی وی تاله

این چه قامت رعنائی است
 سر ما را پر از خیال کرده است
 حال و روز ما بی او تلخ است

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
باله	ال	ه
خیاله		

		تاله
--	--	------

عیوب قافیه

اقوا

هرگاه در واژه‌های قافیه، همسانی مصوت برخلاف قاعده رعایت نشود، عیب اقوا است.

مثال:

سیسه بوزی هیکه لمه نده
لیثف تونک و زمان قه نده
ئه ره قچینی خوه وه من ده
واژه‌های قافیه:
هیکه لمه نده، قه نده، من ده

ئه ز شفانی په زئی قچک
ته رنه بیریی گشتی که چک
ناده نه من خوانگی قچک

ئه ز قوروانه به ژنا گولی
ته ره ئاقی وه ساتلی
شکل کریه به رگی گولی

ئه لی زه ریی له ناف زه ریان
که جهک رژاند ناف بریان
بی دل هشتم له بهر ده ریان

اکفا

اکفا عیب قافیه‌هایی است که روی آنها در تلفظ یکسان یا نزدیک به هم ولی در نوشتن متفاوت باشند.

مثال:

لی چاف زاغی، لی چاف زاغی
له ناف ئیلی لاینی تاقی
وه رکه تمه له سوراعی

واژه‌های قافیه:

چاقزاعی، تاقی، سوراغی

ئه‌ز وه ته فا هم ئه‌قیده

ئه‌ز زنده‌مه وه بینئ ته

تو من مه‌که نائۆمیده

ئه‌ز کو وه ته پرر وه‌دلم

چه‌کان بشین، بخه‌ملم

وه ده‌ردئ ته ئه‌ز ده‌مرم

ئه‌ز قوروانه دودیی و دل

ساتئ ژ هه‌ف ناون قافل

به‌هرا دونیی وان هه‌ردویان بر

شایگان

وقتی علامت جمع به‌عنوان اساس قافیه در بیش از دو مصرع قرار گیرد.

مثال:

چه‌ره چاقن، چاقئ ماران

که‌چه‌ک کریه تاقئ کالان

جاییل تهرن و ئه‌رمانان

مار، کال، ئه‌رمان + ان

تو که‌وه‌کی ل قراجان

تو گوله‌کی ل ناف دیمان

ته هه‌لگرم ئه‌ز ژ له‌جان

فا داوه‌تا کورمانجانه

تییه ده‌نگئ به‌خشییانه

بووک برنه ئۆله‌نگانه

ئه‌ز غه‌ریوی بنئ واران

ناواره مه ل دیاران
پهیدا ناکه م رهدئی مالان

اضافه کردن قید بین توجیه و روی

بین مصوت و صامت قافیه یک حرف ساکن اضافه دارد که باعث پیش آمدن عیب است. این یکی از عیوب غیر ملقبه است.

مثال:

ئه ز قیزکا مامی ئه خم
و کولله یی نه خ و نه خم
ئه ز خوه دیا هزار به رخم

وه رکه تمه سهر فی مه رزا
مه لووم ده وی ئیمام رزا
نه مازا مه بوویه قهزا

و دو موویان گا بهش ناوه
کهس مینا وی وهره فش ناوه
ههر کهس، ههر کهس بین خوهش ناوه

سیسه بوزا نالا به رفی
شگاره کی له بهر ره فی
ئه ز مهرگانی ته وه خه فی

خصوصیات سه خستی های خراسانی

دو ویژگی در قافیه سه خستی ها وجود دارد که منحصر به فرد است:

اضافه کردن یک حرف فاقد نقش دستوری یا معنایی به قافیه دو خشت دیگر به تبعیت از یکی از خشت ها که معمولاً خشت اول است. این حرف اضافه شده ا یا و یا ه (معادل «است»؛ فعل اسنادی) است. در مورد آخر جالب است که ه (فعل اسنادی است) گاهی به جملات غیر اسنادی یعنی به فعل غیر اسنادی اضافه می شود.

ناقفی کارؤ، دیمه کارؤ
دهستی بیلئ قهله مکارؤ
میری دو ژن گونه کارؤ

^{۱۳} حرکت پیش از روی ساکن را گویند؛ مانند فتحه در لهز و ههز

خهراو بوئی فازه مانا
 هم دلی من بیدل دان ا
 نازیز بوویه دل و ژان ا

بالبلند قیزا کی یه
 و بهر مه را تهره تی یه
 مه گهر دهنگی م نابی یه

ژه جانی خوه بوومه تیرا
 نالی چیکئی سه ری ئیرا
 دل وه داغم، داغم ژیرا

هه ساری مه دۆره ره ف ه
 دوومین گرتیه چارته ره ف ه
 به خشتی له وی ناکه خه ف ه
 مثال های فراوان دیگری هم وجود دارد.

اضافه کردن یک هجا به قافیه هر سه خشت بدون داشتن نقش دستوری یا معنایی فقط برای اینکه هشت هجا درست شود و خشت ها از ۷ هجا به ۸ هجایی تبدیل شوند که با آهنگ و موسیقی معمول سه خشتی های هشت هجایی خوانده شود. چون اغلب سه خشتی ها هشت هجایی هستند و ذهن مردم و خوانندگان با آنها مانوس است. در حقیقت این هجای اضافه شده نقش موسیقایی دارد نه معنایی.

۱

۴

گولی من چو، چمانات ا
 من کاغازه ک ژیرا شاندا
 کاغازا من فه گهراندا

یینکی تو بیژ، دودیان نه ز و
 خهراو بمی دهره گه ز و
 مالی دونی گا و په ز و

ئه ز گوله ک ووم دامه ته یا
 ل من مه که نازی خوه یا
 ناخر دکم ته رکا ته یا

۱۴ حروف و هجاهای اضافه شده با فاصله تایپ شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود اگر هجای آخر خشت‌ها (هر سه خشت) حذف شود هیچ اتفاقی در معنای جملات رخ نمی‌دهد چون بدون این هجا جمله کامل است اما بنا به نیاز موسیقایی به قافیه اضافه شده است.

در شعر فارسی هم گاهی در آخر کلمه قافیه؛ چه اسم باشد یا صفت یا فعل یا انواع دیگر کلمه؛ الف اضافه می‌شود که به آن الف اشباع یا اطلاق گفته می‌شود که فقط برای تکمیل وزن شعر است و کارکرد دیگری ندارد. مثال بارز آن طنز موش و گربه عبید زاکانی است:

ای خردمند عاقل و دانا

قصه موش و گربه برخوانا

قصه موش و گربه مظلوم

گوش کن همچو در غلطانا

:

چاروک

چاروک (چاروک)، قالبی شعر کردی که همانند سه‌خشتی قدمتی چند هزارساله دارد. این قالب دارای قافیه (و ردیف) است و به‌صورت ۳ تا ۱۰ هجایی سروده می‌شود که اکثر چاروک‌های سروده شده ۵ هجایی می‌باشند. چاروک از چهار مصرع تشکیل می‌شود و مصرع‌های اول، دوم (مصرع سوم هم می‌تواند قافیه داشته باشد ولی الزامی نیست) و چهارم آن هم قافیه هستند. مثال:

فاتما دقینی

به‌هری نه‌وینی

ئه‌ز کو خزانم

من دخاپینی

که پنج‌هجایی است و مصرع‌های اول و دوم و چهارم قافیه دارند.

تمرین‌های حل‌شده ۳

ئه‌رمان بهاره	به به! بهار است
دونیا گولزاره	دنیا گلزار است
بولبول سا گولی	بلبل برای گل
دل بی‌قراره	دل بی‌قرار است

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
بهاره	ار	ه
گولزاره		
قراره		

فاطمه دوینی	فاتما دقینی
عطر خوشبو هستی	ئه ترا وینی
من را ترک می کنی و می روی	من تافی ته ری
خوشبخت نمی شوی	به هره ناوینی

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
دقینی	ین	ی
وینی		
ناوینی		

هاجر می میرم	هاجر دمرمه
من تو را بگیرم	ئه ز ته هلگرمه
تو را در شیشه کنم	ته و شووشی که م
برای خود نگه دارم	ساخوه داگرمه

واژه‌های قافیه	قافیه	ردیف
دمرمه	ئر	مه
هلگرمه		
داگرمه		

که چکا ناماری	دختر آماری
که وه که ماری	کبک ماری
ته له من ئیخست	تو به من زدی
دهرده که کاری	دردی کاری

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
ناماری	ار	ی
ماری		
کاری		

فاتما قوچانی	فاطمه قوچانی
قه ندی باتمانی	به قند کله می ماند
ل تافی دانین	روی طاقچه گذاشتند

نام کئی هلائی

نمی دانم که برداشت

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
قوچانی	ان	ی
باتمانی		
هلائی		

که چکا نه فدهوئی

دختر عبدآبادی

وچ دهودهوئی

با چه دبدبه و کپ کپه‌ای

سه‌ر سینگا کهوئی

روی سینه‌اش

مه‌نزیا له‌خوئی

جایی برای خواب است

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
نه فدهوئی	هو	ئی
دهودهوئی		
کهوئی		
خه‌وئی		

که‌ونا ته هه‌یه

شال بر سر داری

فه‌کا ته فه‌یه

جلوی دهانت پوشیده نیست

فه‌کئی خوه بگر

جلوی دهانت را بپوشان

فارهما مه‌یه

این رسم ماست

واژه‌های قافیه	قافیه	ردیف
هه‌یه	ه	یه
فه‌یه		
مه‌یه		

ل ماینا مه‌له

بر اسب زرد

که‌له و که‌له

روستا به روستا

ماینی قامچی که

اسب را تازیانه بزن

به‌رفه کوته‌له

روبه سربالایی

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
----------------	-------	----------------

ه	هل	مهله
		کهله
		کوتهله

فاطمه مهزنه
دهست و بازنه
فاطمی مهخوازن
ئه و یارا منه

فاطمه بزرگ (بالغ) است
النگو به دست دارد
از فاطمه خواستگاری نکنید
او یار من است

ه	ردیف	قافیه	واژه‌های قافیه
			مهزنه
			بازنه منه

زهندهی و سائت
ئهز ناکهم تاقت
نازبالگیی داین
راکهف تو راهت

ساعد ساعت دار
طاقت نمی‌کنم
بالشت را بگذار
راحت بخواب

هت	قافیه	واژه‌های قافیه
		سائت
		تاقت راحت

که‌چکا بیاری
زه من مه‌قاری
سه‌ری گولیی ته
سیما دوتاری

ای دختر اهل بیاره
از من مرنج
سر زلف تو
به سیم دوتار می‌ماند

ئ	الحاقیات قافیه	قافیه	واژه‌های قافیه
			بیاری
			مه‌قاری دوتاری

خانه دو طبقه است	سهر باله خانه
ایوان رو به رویش	پیشه دالانه
روی پله ها ایستاده	له سهر زینانه
به کنار نمی رود	خوه ناده یانه

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
باله خانه	ان	ه
دالانه		
یانه		

سه ماه بهار	سئی مئی بهاری
به دنبال یار گشتم	گه ریام ل یاری
جانم به سرآمد	جانئی من کشیا
حتی یک بار هم ندیدمش	من نه دی جاری

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
بهارئی	ار	ئی
یاری		
جاری		

وہ شال و دہسمال	ای شال و دستمال بر سرت
داگر ہہ نی مال	برگرد برویم خانه
ئیسال سئی سالن	امسال سه سال است
مامہ بی ہہ قال	بی یار مانده ام

واژه‌های قافیه	قافیه
دہسمال	ال
مال	
ہہ قال	

فاتماخوش باتن	فاطمه خوش باطن
فہتیر دپاتن	فطیر می پخت
میسکہ ب ناٹ دہ	کرہ را میان آنہا بگذار (فطیر مسکہ را درست کن)
ئیلچیئی تہ ہاتن	فرستادہ های خواستگارت آمدند

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
باتن	ات	ئن
دپاتن		
هاتن		

محدودیت‌های قافیه در شعر کرمانجی

قافیه در شعر کرمانجی به چند دلیل از محدودیت‌های سرودن است

۱- کمبود دایره واژگان

به علت فراموش شدن بسیاری از واژگان و البته کمبود دانش اغلب شاعران کرمانجی سرا در مورد واژگان

۲- ماهیت نیمه‌ارگاتیو زبان کردی کرمانجی

واژگان بنا به نقش صرف می‌شوند و تغییر شکل می‌دهند.

مثال

شه‌فه‌ک ساره، شه‌فه‌ک ساره، شه‌فه‌ک سار

وه‌ره روونئی توژی ئیشه‌ف ل به‌ر ئار

که ئار باید به ئیر تبدیل شود.

۳- وجود جنسیت در زبان کردی کرمانجی

مثال

ل ناڤ ئاره‌ک دشه‌وتی فا دلنی من

چ بوو ژ فئی ئه‌فینا هاسلا من

همان‌طور که ملاحظه می‌شود دل با هاسل قافیه است اما اولی مذکر و دومی مؤنث است و هنگامی که مضاف قرار گرفته‌اند اولی ئ و دومی ا گرفته و قافیه را به هم ریخته است.

به این دلایل در سرودن شعر کرمانجی به‌ویژه در قوافی محدودیت وجود دارد. یکی از دلایل مهم کمبود شعر در قالب زیبایی مثل غزل در کرمانجی هم همین است.

قافیه دوهجایی

در بخش‌های پیشین؛ کلمه قافیه، هجای قافیه، حروف قافیه و حرف روی را تعریف کردیم همچنین قواعد ساخت قافیه بیان شد:

۱- مصوت‌های بلند به‌تنهایی و مصوت‌های کوتاه به‌شرط داشتن بخش الحاقی یا ردیف می‌توانند قافیه قرار بگیرند.

۲- مصوت + صامت (+صامت)

به‌رحال داشتن یک هجای قافیه شرط لازم و کافی برای واژگان قافیه است.

اما واژگانی وجود دارند که دارای دو هجای قافیه متوالی هستند. هجای اول مستحب و هجای دوم واجب است. رعایت هجای دوم ضروری است اما رعایت هجای اول قافیه باعث محکم‌تر شدن قافیه و تقویت موسیقی کناری شعر می‌شود.

قافیه دوهجایی با ذوقافیتین متفاوت است زیرا در ذوقافیتین دو کلمه قافیه که هرکدام حاوی یک هجای قافیه است؛ در هر مصراع/بیت وجود دارد که با کلمه و هجای قافیه مصراع/بیت بعدی متناظر است ولی در قافیه دوهجایی یک کلمه قافیه وجود دارد که دارای دو هجای قافیه است.

مثال ذوقافیتین:

ئه‌ز دیزباغ و بخاو کرم
به‌رفه توپه‌ک ئه‌لاو برم
خه‌لکو ئه‌ز بی‌ن خجاو مرم
بخاو، ئه‌لاو، خجاو و کرم، برم، مرم هم‌قافیه هستند.

اینک به سه‌خشتی زیر توجه کنید:

هه‌ر چ ته‌گو، من سه‌ور کر
پوړی ره‌ش ووو، من گه‌ور کر
ته‌ل هالی من جه‌ور کر

واژه‌های قافیه سه‌ور، گه‌ور، جه‌ور و قافیه ه‌وئر/ewئر است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود هجای آخر (اصلی) قافیه وئر/wئر است اما هجای ه‌وئر/ه هم قبل از آن در تمام کلمات قافیه تکرار شده است که باعث محکم‌تر شدن قافیه شده است.

در حقیقت حروف قافیه دارای دو هجاست:

ه+وئر

که وئر اصلی و ضروری است ولی ه مستحب است.

دقت کنیم که کلمه سه‌وئر با مثلاً بئر هم می‌تواند قافیه قرار گیرد (به‌واسطه هجای ئر/ir) اما آنگاه که با جه‌وئر هم‌قافیه شده زیباتر و محکم‌تر شده است چون قبل از هجای ئر/ir که هجای اصلی قافیه است؛ هجای ه‌وئر/ه هم آمده است.

مثالی دیگر:

بیچن چیو، له‌ده‌راوئ
بیچن ده‌کی له‌سه‌راوئ
نارام هیلین ئه‌نگه‌راوئ
کلمات قافیه ده‌راوئ، سه‌راوئ، ئه‌نگه‌راوئ و حروف قافیه ه‌راو است که شامل دو هجای:

ه هجای اول (فرعی)

راو هجای دوم (اصلی)

در اینجا هم سه‌راو می‌تواند به‌واسطه هجای او با کلمه مثلاً تاو هم قافیه قرار گیرد اما وقتی با ده‌راو هم قافیه شده زیباتر و محکم‌تر است چون قبل از هجای اصلی قافیه؛ هجای فرعی ه هم آمده است.

تعداد این قوافی دوهجایی در زبان کردی کرمانجی کم نیست. البته در فارسی هم وجود دارد.

در ادامه چند مثال دیگر از قافیه دوهجایی آورده شده است.

تو ییسووز و ئەز سه‌رچرا

ده‌ست هلتینم، وه‌ره فرا

روونشتنی خوانگ و برا

واژه‌های قافیه:

سه‌رچرا، فرا، برا

قافیه:

ئرا

دوتاری من سه‌ده‌ف‌نشین

و وه‌ر به‌ندی خوه ه‌لکشین

سفارشان تیکی، بشین

واژه‌های قافیه:

سه‌ده‌ف‌نشین، ه‌لکشین، بشین

قافیه:

ئشین

قابی دلیا بووی بی به‌لا

بووی ره‌سمه‌ک له فی که‌لا

که‌س تونینی داینی سه‌لا

واژه‌های قافیه:

که‌لا، به‌لا، سه‌لا

قافیه:

ه‌لا

زاو و زنار، زاو و زنار

تیدا چاندن قوشمه چنار

ئەز غەربو وووم، دامە کنار

واژه‌های قافیه:

زنار، چنار، کنار

قافیه:

ننار

دارا بادەم، دارا بادەم

وەرە روونیی نالی ئادەم

ئەز مار نەم وە تە دادەم

واژه‌های قافیه:

بادەم، ئادەم، دادەم

قافیه:

ادەم

ژە ئاسمەن دا بیوی نەدا

تەلوەهەف بن شاه و گەدا

م تو خواستی، خوادئ نەدا

واژه‌های قافیه:

نەدا، گەدا، نەدا

قافیه:

ەدا

کە چک! ناڤی تە دەلالە

ئاڤا کووزئ تە زەلالە

رامیسانی تە هەلالە

واژه‌های قافیه:

دەلالە، زەلالە، هەلالە

قافیه:

ەلال

ردیف:

۰

تمرین‌های حل شده ۴

من جوانی آزاد و بی تعلق هستم
از این سیه چادر به سیه چادر دیگر دنبالت سرگردانم
از عشقت توبه نمی‌کنم

نه ز جایله که سهر ناسووه
دگهرمه تووه تووه
ژ ئشقی ته ناکم تووه

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
ناسووه	و	۰
تووه		
تووه		

بان ده کمه که چکی نه زه و
نه ته دله، نه من که زه و
خوه دئی له مه کر به قه زه و

صدا می‌زنم آی دختر شوی ناکرده
از شوق عشق نه تو دلی داری و نه من جگری
انگار خدا بر ما خشم گرفته است (که به وصال نمی‌رسیم)

واژه‌های قافیه	قافیه
نه زه و	هزه و
که زه و	
قه زه و	

وه رکه تیه چیکا پیور
شه رقی دایه که لا گپور
تو تیمام وئ، نه ز مجپور

ستاره زیبای پروین از پشت کوه سرزده است
و نور آن به قلعه گبرها تابیده است
تو امام‌زاده باش و من خادم و مجاورت می‌گردم

واژه‌های قافیه	قافیه
پیور	پور
گپور	
مجپور	

^{۱۶} در اصل **کریبه** است که به خاطر هشت‌هجایی شدن مصوت **ی** قبل از **ی** حذف شده است.

بر روی خانه‌ی بلند بخواب
سنگی می‌اندازم تو پایین بیا
تو حالم را بهتر کن و مرا دریاب

له سهر خانیه بلند راکه‌ف
که‌فره‌ک تاقیم، وهره‌داکه‌ف
تو له هالی من فه‌باکه‌ف

واژه‌های قافیه	قافیه
راکه‌ف	اکه‌ف
داکه‌ف	
فه‌باکه‌ف	

آب به سمت سرازیری پیش می‌رود
قوچان را برایمان تبدیل به خیره نموده‌اند
این خلق ما شگفتی دارد

ثاقی تهره سهر وه شیوه
قوچان له مه بوویه خیره
فا خه‌لکی مه وه ثاجیره

واژه‌های قافیه	قافیه
شیوه	یره
خیره	
ثاجیره	

کوه بالا سر ما پر از گیاه کما است
همه رفته‌اند و کسی در اطرافمان باقی نمانده است
یار دامن سفید به من امیدوار است

چپای سهر مه وه که‌مایه
کوللی چوونه، که‌س نه‌مایه
شیلوارگه‌ورئ وه ته‌مایه

واژه‌های قافیه	قافیه	ردیف
که‌مایه	ه‌ما	یه
نه‌مایه		
ته‌مایه		

ای دختری که کلاه سکه دوز بر سر داری
من از غم عشق تو چون مو باریک شده‌ام
من مالی ندارم ارزانی‌ات کنم، جانم را در گرو عشقت می‌گذارم

سهروده‌درا‌ف، سهروده‌درا‌ف
ژه‌شقا ته بوومه زراف
مه مال تننه، جان له گراف

واژه‌های قافیه	قافیه
درا‌ف	ثراف
زراف	

گراف

کوله‌ی له ته بۆست و نیفه
 کتێ که بر تن توست یک و جب و نیم است
 نالییک زیره، نالییک زیفه
 یک طرف آن طلا دوزی شده و طرف دیگرش نقره دوز است
 ژه دهردی ته ناکم شیفه
 من از درد عشقت بی خور و خواب شده‌ام

واژه‌های قافیه	قافیه	ردیف
نیف	یف	ه
زیف		
شیف		

چوومه چیان، چیان سار کر
 کانی هشک وون، مالان بار کر
 چه کوهستان رفتم، کوهستان سرد شد
 چشمه‌ها خشکیدند و خانواده‌های ایل کوچیدند
 درد یار بر من اثر کرد
 دهردی یاری له من کار کر

واژه‌های قافیه	قافیه	ردیف
سار	ار	کر
بار		
کار		

ئه‌ز قوروانه ته وه‌خوه مه
 له دۆری ته تاو ده‌خوه مه
 چاف وه‌هیستر، سا ته هه‌مه
 من فدایت شوم که یگانه یارم هستی
 مانند پروانه گرد شمع وجودت در چرخشم
 با چشم پر از اشک برایت منتظر مانده‌ام

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
وه‌خوه مه	ه	مه
ده‌خوه مه		
هه‌مه		

به‌ژنا یاری دارا مه‌رخئی
 ئه‌ز ل دۆری که تمه چه‌رخئی
 نالی میا چاف ل به‌رخئی
 قامت یارم به درخت زیبای سرو کوهی می‌ماند
 من بر گردش به چرخش درآمده‌ام
 مثل میشی که چشم به بره‌اش دارد

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
مه‌رخئی	ه‌رخ	ئی
چه‌رخئی		
به‌رخئی		

چه کنم که یار کوچک است و قد و قامتی ندارد
و نمی‌تواند خانه‌داری کند
اگر چشم‌هایش را بخورم هنوز هم کم است

چهره بکم یار قیچکه
نکا کارئی مالئی بکه
چاقان بخووم هین هندکه

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
قیچکه	ئک	ه
بکه		
هندکه		

من فدای ساعد مرمین و اندامت گ‌ردم
ساعدهای سپید همچون قندت
باید از میان آن همه ماه‌رو تو را برگزینم

ئ‌ه‌ز قوروانه زه‌ند و به‌ندان
زه‌ندی بوزن، نالا قه‌ندان
ته بگرم ژ ناف چه‌ندان

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
به‌ندان	ه‌ند	ان
قه‌ندان		
چه‌ندان		

حرم امام رضا (ع) دارای گلدسته است
زوار دسته‌دسته به سمتش در حرکت‌اند
افراد داخل حرم چقدر سعادت‌مند و عزیز درگاه خداوندند

ئیمام ره‌زا وه گولده‌سته
زه‌فار تهرن ده‌سته ده‌سته
که‌سئی تیدا خواه‌دی خواه‌سته

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
گولده‌سته	ه‌ست	ه
ده‌سته		
خوه‌دی‌خوه‌سته		

آفتاب بر ستیغ قله‌ها تابیدن گرفته است
دختران از جمع کردن گیاه «اسپنگ» می‌آیند

رؤیی دایه سه‌ری چنگان
که چک تینه ژ ئسپنگان

ئەز قوروانە تەشە لنگان

فدای یارم شوم که پایش به دوک باریک می ماند

واژه‌های قافیه	قافیه	الحاقیات قافیه
چنگان	ئنگ	ان
ئسپنگان		
لنگان		

تەمەرین

چیکئی ئاسمین ئەز و تە نی ل شەقی رەش نیشانە نی نیشانی ری کۆچی خوە نی	ژە سەرگا چی دا باهۆز تی وہ سەر بیرچیان دا تۆز تی هینفام وه که چکا بۆز تی	ژن، کانیا سەر چیانە ژن گولە؛ رەفشا گیانە ژن، نافئی ژانین دیانە!
برین وه دل دا خەرمانن هەر برینەک سەد ئەرمانن ئەلۆ خەلکۆ هون دەرمانن	ل فر ئاگر، ل ور ئاگر ل سەر کوردان با و باگر دی داکەم، دونیی داگر!	دایکا منە روو مەلەکی ئار دسەوتە ل ناف فەکی هەرای ژ دەست تە فەلەکی!
فی بهارا گول ئشکفتن چاف وه هالی مە هنگفتن وه هیستران دا پەرچفتن!	سیسە بووزا مینا سیتان مینا گولان کەن لە لیفتان مالا لە من بوویا میتان!	وه دوو تە را هاتم چومە ژە پین کەتم ژە جین بوومە مەگەر ژە تە دەست دەشومە!؟
کۆچ وه ری کەت، دا وەر زاوان خوە خەملاندن که چک و لاوان خوادی جان! چی داگر سا وان!	قۆشمی لیخن، تا ئەز رابم بلیزم، وه دۆلە با بم لە گوڤەندی خوە، تەفا بم...	قۆشمە؛ دو بالین شابازەک جووتەک هەستی بوونە سازەک؛ دو پیغەمبەر وه ئعجازەک...
باران ببار تی نی، تی نی تو پرس مەکه کو ئەم کی نی ئەم گولینە بی خوادی نی	ئەم قەریوی سالیئە دوور ئەم برینی زاوینە کوور ئەم ئەو چیا بی سەرلەژوور	سا ئوو جافی تە ئاردوو ئەز ژە ئشقا تە یاراتوو ئەز ئەرمان وه دل دا ما، چوو ئەز

دوور ژ بینې، ل وهر چوکوکه ک روونشتیه بی دل بووکه ک دهردان پوورت کر گولپه پووکه ک	گښت دل و کول و ئیشن دایم ل بن که قری ئیشن سا مه گیری گولا هیشن	بلیز که چکا ژ گیشن باش شهو اش دکم، شهو اش شهو اش ل سهر ته فی جانی نه خواش
چاډ بری ره ش، مینا که وی ددانی بوز مینا شه وی وه پالیی دا که تمه شه وی	که ونا دیکلی تا پانیی په زکیفی یا سهر کانیی هیف نزانم مه رگانیی	تو دهستی خوه هه ماییل که ل گه رده نی من ساییل که ئه زی کالم، من جاییل که
و ری تهره مورده مورده دلې من بر به ژنا خورده باډ زالمه، ناکم گورده	شالی سهری ته دودنه بیک یا سهره، بیک یا بنه خوه دی تو دای سه وامنه	هه رای دنیا بوویه دوومان دل شهوتین ته نی دوو مان چیای هانا چاډ بدوو مان
سیسه بوزی نالی هه گی هاتیه مالی مه ئیله گی ساتی روونم له کیله گی	ته دی بوویه کاره ک چهره ئه و سوویندا ژه فر تهره بهاری تی، بیژ فه گره	شیلواری ته چیتی ساده ده شهوتینه، ئه لاو ناده ناهی من کو ته بهرناده
رویی رونی، شه فی تاری ژه سووی تا به ریثقاری دلې من بر که و ماری	سیسه بوزی که چکا خوشی مه ره ئافی وه بروشی لاوکی خه لکی مهینه جوشی	سیسه بوزی ل سهر ته ونی با هلتینی کوچی که ونی ئه زی و شه ف هه رمه خه ونی
رو کو فری، تاری داکه ت که و ل دورا خوه فه با که ت به ختی من کو چهره راکه ت	مالان دانی و تینگه ل دا که وان دخواند و جینگه ل دا یار خه ملی و میخمه ل دا	ریا مه شه ت و شفی شکه نیر و مه یان فیشکه فیشکه ناعی غه ریو مه که شیش که
کراس قه میس له ده راوی یاواش هلین ئه نگه راوی ئه ز قوروانه بی سهر اوی	کولله موری، کولله موری مینا مه یا سه روپوری شه فی نارام، رویی توری	په زی بافی ته بی کورره ژ هیری دا گورره گورره هه فی شفن مسته ک دورره
که ون گه ورا ده سمال شامی شیلوارقولا وه نه زامی له رندیی خوه ته مامی	که ونی سهری ته هه شه تهر که ده ست و هه ف ده، چیا بهر که سه د سال هه ره ناکم تهر که	که ونی سهری ته گولگه زه وه ره مه که له زه له زه خه لکی دوری وه قهره زه
ئه تاله پاشلی ته هه سره ته، هاسلی ته لی، هین دلې ته شایه دلې من، وه دلې ته!	دیسا بارش تی ژه چاقین گشتی مه گه ر مه بگرن ژه ناف لیمشتی!	که لی یاری بهر فه ملکه بارش باری چلکه چلکه خوه دی مدای مه هاسل که

شیرینا دایی ژ کوردان مایی شه‌فا تارم‌ئه‌ز تویی چیکسایی	ناسان پر کرن نه‌زان گر کرن ب ده‌ستی‌ خوہ وان خزان فر کرن	گولین شیلانی له‌سه‌ر زیلانی وه‌ده‌نگی گوللان ده‌گرن دیلانی!
---	---	--

منابع

- ۱- موسیقی در زبان شعر، البرز کاظمی
- ۲- فرهنگ قافیه در زبان فارسی، دکتر تقی وحیدیان کامیار
- ۳- سه‌خشتی‌های کرمانجی خراسان، پروفیسور جلیل جلیل - گلی شادکام
- ۴- فنون ادبی؛ عروض و قافیه، دکتر تقی وحیدیان کامیار
- ۵- قافیه و عروض پیش‌دانشگاهی، عین‌الله اسدی
- ۶- آسمان بی‌مرز است، اسماعیل حسین پور
- ۷- دیار و دوتار، اسماعیل حسین پور
- ۸- آرشیو کانال تلگرامی دلوار